

## پرواز از نشیمنگاه سیمرغ

اسم اعظم نزد ما باشد قدیم،  
یعنی بسم الله الرحمن الرحیم.

بهرام میرسعیداف \*

پدرم، خدا رحمتش کند، مرا از خردسالی محروم دیدار کرد. من روزکی چند به دبستان رفتم و نکته‌های آغازی را از معلم خود از بر نمودم و پدر مسرور و شادمان بود که فرزندش لایق مکتب و مدرسه گردیده. و همه‌روزه می‌پرسید که معلمانمان چه می‌گویند و ما چه گونه تحصیل داریم. من هم هرچه در دبستان می‌دیدم و می‌شنیدم: از نگاه غضب‌آلود زیرعینکی استاد کهن‌سالم تا خنده و شوخی‌هایش، همه را به پدرم می‌گفتم. و بال‌آغوش باز می‌کرد و خدا را حمد و ستایش می‌نمود و ضمناً افتخارش این بود که روزی من هم در علم و عرفان جایگاه خویش را دریابم و جهان را با چشم خود ببینم، به خاک‌بوسی قدم‌جای

---

\* دکترای تاریخ، استاد دانشگاه ملی تاجیکستان

بزرگان علم و معرفت برسم و جامه از عطر دیار فردوسی و سعدی و حافظ  
 عطرآگین سازم.

بارها می‌دیدیم که اگر پدر با بزرگ مردان دیارمان که از روستا بیرون رفته، پس  
 از ختم دانشگاه و دانشکده در جاده‌های علم‌مداری می‌نمایند، برخورد می‌کرد،  
 اشک حلقه‌ی دیدگان خطاب می‌کرد که: «خداوند فرزندان مرا نیز چون شما عزیز  
 و گرامی سازد!»

زمستان به دست ما دولچه‌ی [دلو کوچک] برنج و گندم را داده می‌فرمود، که  
 روی بام پُر از برف بپاشیم، تا پرنندگان گرسنه و بی‌قرار بخورند.

با چند پول به مرکز دیهه می‌رفت، تا محاسن خود را مرتب سازد و حال  
 [هنگام] بازگشت به طفلکانش چیزی بیاورد. چون در راه غریبی می‌دید، آن  
 درمگانه<sup>۲۴</sup> به او می‌داد و گریان برمی‌گشت که دلم به فلانی می‌سوزد. معلوم  
 می‌گردید که او جمله‌ی بساطش را به عزیزی گرفتار بخشیده.

پدر می‌خواست که من خط عربی و فارسی را بلد باشم و کتاب‌هایی که از  
 جدّ امجدش عبدالاحدخان و عمویش قاضی عیسی فلغری بازمانده است، خوانده  
 برایش شرح و توضیح بدهم.

ولی افسوس که حضرت قبله‌گاهی [شیوه‌ی خطاب و یادکرد محترمانه از پدر]  
 زود ما را در این خاکدان سفلا تنها گذاشت و خود به ملکوت اعلی شتافت.  
 نمی‌دانم که بنده تا امروز به رضای او و آرزوی او کار دارم یا نه [رسیده‌ام یا خیر].  
 اما یقین این است که سفر چندروزه‌ی من به جمهوری اسلامی ایران جزوی از  
 آرزوهای شیرین او بود که به عنایت و لطف خداوند ذوالجلال به وقوع پیوست.  
 من به ایران آرمانی خود سفر کردم.

مادرم، برادران و خواهرانم و دوستانم از این سفر خیلی شاد بودند. چون این  
 دیدار از ایران به بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی [کتاب] تهران موافق آمد،

برای خود بهترین و نایب‌ترین کتاب‌ها را خریدم، ولی نتوانستم که برای مادرم تحفه‌ای از ایران بزرگ آورده باشم، پسرهایم زردشت و آرش و شاهی جهان را مغز [نقل] و قند و شیرینی‌های فارسی بیاورم و دوستانم را با تحفی بنوازم. مرا دستگیر این بیت خاقانی شروانی بود که گفته:

اخوان که ز ره آیند، آرند رهاوردی،  
این قصه رهاورد است، از بهر دل اخوان.

### ایران در نوار خاطره

جمهوری اسلامی ایران در شمار بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان امروز است. این کشور از نگاه پیشرفت تکنولوژی و فناوری، صنعت، کارکرد معادن و فلزات، استحصال [تولید] مال و کالا، کشاورزی و دام‌پروری جایگاه معینی را به دست آورده است. حالا ایران دارای ۳۰ استان (ولایت)، ۳۳۶ شهرستان، ۱۰۱۶ شهر و ۲۴۰۰ دهستان است. این سرزمین با وسعت ۱ میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵ کیلومتر مربع مساحت و جمعیت نزدیک به ۷۱ میلیون نفر از بزرگ‌ترین دولت‌های دنیاست.

ایران کشوری است که در پهنای خویش آثار مراحل مختلف تاریخ بشریت را حفظ نموده است. یادگاری‌های عهد هخامنشی، میراث مشترک فارسی و یونانی، بازمانده‌های آثار فرهنگ ایرانی و اسلامی، مزار و مقبره، مسجد و معبد، خانقاه و آرامگاه، قصر و کُشک‌ها [کوشک‌ها]، کاخ و دروازه و پول‌ها، قلعه و باره‌ها، مناره و طاق‌ها و بروج، باغ و بساتین و بیشه‌زار، بحر و دریا<sup>۲۵</sup> و برکه‌ها، کوه‌ها و قله‌های سپیدپوش برف و سرخ پوش لاله، این سرزمین را به عنوان قدیم‌ترین مهد تمدن جهانی و زیباترین گوشه‌ی کره‌ی ارض معرفی می‌نمایند.

در جهان امروز ایران پشتیبان دهها کشورهای اسلامی است. سیاست فرهنگ‌گرایانه‌ی آن گفتگوی تمدن‌ها را در زمینه‌ی معنویت و آدمیت ره‌اندازی می‌کند.

### کتاب و کتاب‌خوانی

برای جامعه‌ی ایرانی کتاب بالاتر از زر و زیور و جواهر است. مردم عشق و علاقه‌ی استواری به کتاب و مطالعه‌ی آن دارند. با نظر داشت شوق و محبت جامعه به کتاب، حکومت‌داران کشور عزم کامل دارند که کتابخانه‌های بزرگ و مجهز بسازند. امروز شهرداری تهران در پی بنیاد «باغ کتاب تهران» است که در تپه‌های عباس‌آباد و هم‌جوار با کتابخانه‌ی ملی احداث می‌گردد. معماران این پروژه را به وسعت ۱۰۰ هزار متر مربع به ۴۰ هزار متر مربع بنیاد خواهند کرد که آن از ۴ قسم و ۱۱ بلوک عبارت خواهد بود. در حال حاضر در تهران ۱۸۰ کتابخانه‌ی مخصوص ساحه‌ی فرهنگ، به استثنای کتابخانه‌های مکتب و مدارس و مساجد عمل می‌کند و ۵۲ کتابخانه شبانه‌روزی در خدمت مردم است. سال جاری شهرداری تهران مبلغ ۲۵۰ میلیارد ریال برای خرید کتاب هزینه کرده و کتب خریداری‌شده را به مدارس اهدا نموده است. بنا به اطلاع سیدمحمد هادی عیاضی، معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، شهرداری در نظر دارد در ۳۷۴ محله‌ی پایتخت، به همان تعداد کتابخانه بنیاد نماید. شهرداری به آن می‌کوشد که تازه‌ترین کتاب‌ها را از مرکزهای طبع و نشر خریداری نموده، به مکاتب و مدارس، مساجد و حوزه‌های علمیه دسترس نماید. حکومت‌داران شهر تهران برای ترویج و تشویق کتاب‌خوانی پیوسته سعی و تلاش می‌نمایند. موافق آمار شهرداری سال جاری ۵۰ آزمون و مسابقه‌های کتاب‌خوانی دایر گردیده که در آن ۲ میلیون نفر شرکت نموده‌اند. به ابتکار بخش

فرهنگی شهرداری، همه‌ساله دوره‌های آموزشی کتاب‌داران و کتاب‌شناسان برگزار می‌شود که آن‌ها از اصول‌های جدید خدمت‌رسانی آگهی کامل پیدا می‌نمایند.

از دیده و شنیده‌ها برایم این امر خیلی مهم بود که مساجد در ایران در برابر محل عبادت بودن، جای مطالعه‌ی کتاب نیز هست و کتاب‌خوانی در آن یک نوع بازگویی سنت‌های قدیمی قرائت و مطالعه است.

برای هر بیننده و مسافر، روشن است که مردم تهران همه دنبال کار خویش هستند. از جایی صدای بلند یا هیاهو را نمی‌شنوی. کسی در راهرو و کوچه، درآمدگاه بنا، ایوان خانه‌ها، صحن اداره و کارگاه‌ها مشغول صحبت بیهوده نیست. وقتی این همه می‌دیدم، می‌اندیشیدم که مردم نجیب ایران خیلی زود به کنه گفته‌ی ابوالمعانی بیدل دهلوی رسیده‌اند:

هرزه‌گردی هم دلیل مایه‌ی دون‌همتیتست،  
خاک ما گر نم شود، کم‌تر پریشان می‌شود.

### کتابخانه‌ی ملی

دیدار ما از کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران دیگر باره محبت عزیزان ایرانی را به کتاب و غم‌خواری و کوشش‌های رهبریت این دولت را در اعمار و احداث کشور کاملاً معنوی یقین ساخت.

قبل از آن که جامعه‌ی تاجیکستان را با کتابخانه‌ی ملی ایران آشنا بسازم، باید افزود که معماران و مهندسان ایرانی در بنیاد بناها به آرایش، یعنی ظاهر آن توجه و دقت زیاد را مصرف نمی‌سازند. بنا و ساختمان‌های شهر تهران خیلی استوار است، اما ظاهر آن مثل بناهای ما رنگ و بار نشده است. شاید گاهی بناکاران ما قبح و نقص کار خود را با رنگ مستور می‌سازند، اما آن‌جا چنین نیست. طرح و نمای خانه و بناها خیلی خاک‌سارانه است و اکثر آن رنگ خاک و سنگ را دارد.

وقتی مواجه صنعت [هنر] عالی معاشرت دوستان ایرانی و سادگی ظاهری زندگی آن‌ها می‌شدم، این بیت به یادم می‌رسد که:  
خاکساران محبت را شکوهی دیگر است،  
سبزه از بال و پر سیمرخ دارد کوه قاف.

سقف و ستون‌های کتابخانه‌ی ملی ایران با رعایت سبک معماری عهد هخامنشی بنیاد گردیده است. عجیب آن است که کتابخانه مثل برخی از بنای ادارات و بیمارستان‌ها آشیانه‌های زیرزمینی دارد. مثلاً، چهار آشیانه‌ی آن در زیر زمین و چهار آشیانه‌ی دیگر روی زمین است. مساحت عمومی آن نزدیک ۱۰۰ هزار متر مربع بوده، امکانات مطالعه، قرائت و دسترسی به شبکه‌ی بین‌المللی اینترنت آسان است. تالارهای کتابخانه وابسته به شخصیت معنوی بزرگان ملت و فعالیت علمی و ادبی و خصایص روزگار آنها نامگذاری شده‌اند. مثل تالار رودکی، تالار نصیرالدین طوسی، تالار ابن ندیم، تالار خوارزمی، تالار ابن سینا و غیره.  
بینندگان کتابخانه را چند چیز به خود می‌کشد:

- خاموشی خلل‌ناپذیر و محیط آرام استفاده از مآخذ و کامپیوتر؛
- تالارهای قرائت، جایی مخصوصی برای مردان- «آقایان» و برای بانوان- «خانم‌ها» دارند. به این ترتیب از کامپیوتر و اینترنت هم استفاده می‌کند. رسته‌ی مردان- «برادران» و صف بانوان- «خواهران» عنوان دارد.
- نسخه‌های بزرگ کتاب «قرآن» و رباعیات حکیم عمر خیام؛
- نسخ زیاد خطی، چاپ سنگی، برخی از نمونه‌های آثار عهد پهلوی؛
- از حساب روشنایی طبیعی چراغان گردیدن آشیانه‌های [طبقات] زیرزمینی؛
- در کتابخانه علاوه بر ۸ میلیون نسخه آثار و مآخذ زیادی به زبان‌های مختلف دنیا و مخزن کتاب و اسناد، ۷۰ هزار نسخه‌ی نادر تاریخی نیز محفوظ

است که ۳۴ هزار از آن را دست‌خط‌ها تشکیل می‌دهند. کتاب‌شناسان و محققان در ۲۵ مجلد فهرست دست‌نویس‌ها و کتب چاپ سنگی را منتشر ساخته‌اند.

نام کامل کتابخانه «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» است. برای آشنایی با طرزهای خدمت‌رسانی، مخزن کتاب، محیط کاری و در مجموع امکانات کتابخانه مدیر کل حوزه ریاست، روابط عمومی و امور بین‌المللی جناب آقای حامد یاری زحمت کشیدند. چاشتگاه همان روزی که ما از کتابخانه دیدن نمودیم، مدیر کل آن جناب آقای دکتر اشعری، محفل زیبایی را در خوش‌منظرترین جای تهران آراسته و پیراسته گردانیدند که این جا محل شکر و سپاس مکرر است.

### نمایشگاه بین‌المللی «کتاب تهران» - میعادگاه عشق و آشنایی

نمایشگاه بین‌المللی «کتاب تهران» همه‌ساله اردیبهشت ماه به مدت ۱۰ روز برگزار می‌شود. در نمایشگاه، کشورهای مختلف عالم نیز نمونه‌های آثار علمی و ادبی تازه‌مطبوع خود را به معرض نمایش و فروش می‌برارند. از تمام مناطق ایران به نمایشگاه اهل کتاب، معلمان و آموزگاران، محققان و عالمان، طالب‌علمان و محصلین تشریف می‌آورند. در محل برگزاری آن، نمایندگی‌های زیاد بانک صادرات ایران برای هر نفری که به تحصیل و تدقیق علم و دانش ارتباط دارد، «بن» می‌دهد. این کاغذ قیمت‌بها را کل ناشران بی‌ممانعت قبول می‌کنند و کتاب دل‌خواه را به مشتری ارزانی می‌دارند. خوش بود که تمام مهمانان خارجی رسمی جمهوری اسلامی ایران نیز از این لطف و مرحمت برخوردار بودند. فزون بر این، ناشران در روزهای نمایشگاه از ۱۵ تا ۲۰٪ قیمت کتاب‌ها و مواد چاپی را تخفیف می‌کنند. مهمان و تماشاگران [بازدیدکنندگان] نمایشگاه را سر هر خیابان و گذرگاه شخصان

[اشخاص] مسئول راهنمایی می‌کنند و کسانی هم در گوشه‌های مخصوص برای دسترس‌نمایی اطلاعات نشستند.

برای حرکت بی‌مانعه مردم به نمایشگاه، ۵۱ خط مترو و ۹۷ خط اتوبوس راه‌اندازی شده بود.

معلوم گردید که تعداد ناشران بر اساس اطلاعات موجود در اداره‌ی کل مراکز و روابط فرهنگی در تهران ۱۶۷۸ ناشر است. از این تعداد ۱۵۸۹ ناشر خصوصی و ۸۹ ناشر دولتی هستند.

خوشم می‌آمد، وقتی می‌دیدم که صاحبان غرفه‌های کتاب‌فروشی با شیرین‌سخنی و نرم‌گفتاری نیازهای دوست‌داران کتاب را برآورده می‌گردانیدند. راستی گاهی از ایشان دایره به [در مورد] این یا آن منابع صوفیه می‌پرسیدم و به اصول و حرکت عجیبی که سرشان را کمی بالا کرده جواب رد می‌گفتند خوشم می‌آمد، به دوستانم می‌گفتم که خطاب «نه» شنیدن از دهان عزیزان ایرانی نیز شیرین چون «هه» [بله] است.

اخبار تازه از نمایشگاه این بود که برخی ناشران ایرانی این پیشه را از پدر و اجداد خود به ارث گرفته‌اند و سلطنت ناشری میراثی است، مثل انتشارات «زوار». مهربانی و فرشته‌خصالی مدیر انتشارات «بیدگل» محمد حسن شاطریان، همت‌بلندی ناشران انتشارات «سایه نیما» سعید سعیدی و مجتبی طلوعی جدی مرا دیگر باره عاشق و مدیون ایران می‌ساخت. با ایشان عکس‌های جالب هم گرفته‌ام که بازگوی خاطرات عشق دیرین من با ایران و «کتاب تهران» است.

مردم صاحب‌فضیلت ایرانی با کتاب و کتاب‌خوانی مناسبت خوب و سزاوار دارند. چنین اتفاق می‌افتاد که ما همه‌روزه بعد بازگشت از نمایشگاه از رسته‌ی کتاب‌فروشی میدان انقلاب دیدن می‌کردیم. خیلی عجیب می‌نمود که مردم از دکان به دکانی دیگر در سراغ کتاب بودند. با مشاهده این حال به دوستانم گوشه‌ی

[درگوشی] می‌گفتم که اگر تمام سال هم که نمایشگاه ادامه پذیرد، تشنگی معنوی برادران و خواهران ایرانی ما شکسته نخواهد شد.

### رسوم و آداب مهمان‌نوازی

در «چهار کتاب» یا «پندنامه» منسوب به عطار آمده:  
ای برادر، مهمان را نیک دار،  
زانکه مهمان از عطای کردگار.  
مهمان روزی به خود می‌آورد،  
پس گناه میزبان را می‌برد.

خوشبختانه، جمهوری اسلامی ایران اردیبهشت‌ماه، میزبان بی‌مَنّت هزاران مهمان بود که ۱۱۲ نفر از آن اهل تاجیکستان بودند. دبیران و دست‌اندرکاران برای پذیرای، تفریح، معیشت و بود و باش مهمانان آمادگی کامل داشتند. در این مدّت باری ندیدیم که کسی ابرو درهم کشیده یا ملال خاطر از خود ظاهر کرده باشد. وقتی این معامله‌ی حسنه دوستان ایرانی را می‌دیدم، به خاطر حکایات مؤلفان کتب صوفیه، چون هجویری و عطار و جامی می‌رسید که صوفی مقیم برای صوفی مسافر چه گونه مهربانی می‌کرد. بی‌شبهه برایم یقین می‌شد که ایران از آغاز تا به امروز از اصل خود بیگانه نشده است و سنّت را در جمله‌ی امور برجا می‌دارد.

باید یادرس شوم که گروهی از مهمانان تاجیکستانی، که با کمک بی‌واسطه‌ی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان به تهران فرستاده شده بودند، پیوسته از اعزاز و مکرمت صدارت و کارمندان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی بهره‌یاب بودند، و بنده نیز شامل این گروه بودم.

در این فرصت مهمانان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی در چند محفل «سرای اهل قلم»، چون «آسیب‌شناسی ترجمه در زبان فارسی»، «آسیب‌شناسی زبان فارسی» و محفل فردوسی‌خانی «شهر کتاب» شرکت نمودند.

مهمانان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی برای شرکت در نمایشگاه بین‌المللی «کتاب تهران» این‌ها بودند: دومینیکو انگینتو (ایتالیا)، سید محمد جعفری (هندوستان)، خانم سیده فلیحه کاظمی، خانم رفعت ثقلین (پاکستان)، اجرالدین اقبال، میرزا محمد روستای (افغانستان)، شاه نیاز موسی اف، نوری‌اغی تاشوف، احمدقل قربان‌بیک اف (ازبکستان)، خانم وارسینیک موسیسیون، خانم النا هاکوپیان، خانم آنا گیوارگیان (ارمنستان)، خانم آلیزه آیگون، خانم ناصروا فییدان، خانم عصمت مامادوا، حسین عادل، نصیب گویشوف (آذربایجان)، جهانگیر دُری (روسیه)، گیارگی لیبزانی‌دزی، خانم تیا شویرغایا (گرجستان)، صادق آرموتلو، نعمت ییلدیریم (ترکیه)، خانم گل‌رخسار صفی، میرزا ملااحمداف، عبدالمنان نصرالدین‌اف، جوره‌بیک نذری‌یف، عبدالواحد شمال‌اف، اعظم خدایداداف، سخی‌داد خارکش‌اف، محمدداود سلام‌اف، عبدالولی شریف‌اف، حاتم عصازاده، عاشور غیوراف، مسرور نذری‌یف و بنده (تاجیکستان) و محمد داریوش (ایران). اساتید یادشده ۱۱ کشور جهان را نمایندگی می‌کردند.

میزبانان متصل سعی می‌کردند که به مهمانان جای‌های مقدّس و دیدنی شهر تهران را نشان دهند و خاطرشان را بالیده گردانند. باید تذکر ساخت که در این سفر مشاور رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران و رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی؛ دکتر مصطفوی، رئیس کتابخانه‌ی ملی ایران؛ دکتر اشعری، معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران؛ سیدمحمد هادی عیاضی با برگزاری ملاقات و تهیه‌ی خوان انس و آشنایی و مودّت حضور مهمانان را گرامی داشتند که این محل سپاس و احترام است.

ما در این سفر با اساتید کرام زبان و ادب فارسی آشنا شدیم. ایران عاشقان شعر و سخن و کلام ناب فارسی را به هم آورد. ملاقات و دیدار نوبتی من با دکتر جهانگیر دُری از روسیه، نخست دیدار با عالم هندوستانی سید محمد یونس جعفری، آشنای با مدیر بخش دست‌نویس‌های آکادمی علوم جمهوری ازبکستان دکتر شاه‌نواز موسی اف (او اصلاً از دهکده‌ی شوتک کوهستان فلغَر است)، صحبت و گفتارها با محقق و مترجم «شاهنامه» به زبان ترکی نعمت ییلدیریم و تحکیم ارتباطات فرهنگی و ادبی با دیگر مهمانان نمایشگاه صفحه‌های منیر از کتاب این سفر خجسته بودند. مثل این که شیخ سعدی گفته است:

تنگ چشمان نظر به میوه کنند،

ما تماشاگران بوستانیم.

کلّ مهمانان همه‌روزه از پی دریافت کتاب و آثار خواندنی و نایافتنی خود بودند. ما شام‌گاه از هم‌دیگر سراغ کتاب‌های ضروری خود را می‌پرسیدیم و شایسته‌ی تأکید است که در کار دسترس‌نمایی کتب، کارمندان شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی کمک‌های بی‌دریغ می‌نمودند.

لحظه‌ای دیگر که عمری از یادمان فراموش نمی‌شود، این بود که ریاست محترم فرهنگستان زبان و ادب فارسی با سرپرستی مرد فاضل و فرزانه جناب آقای دکتر حدّاد عادل، کلّ مهمانان را شامی به حضور گرم خویش پذیرفتند. دیدار با فرهیختگان زبان و ادب‌پژوه معاصر ایران، بهاء‌الدین خرمشاهی، مهدی محقق، علی رواقی، احمد سمیع گیلانی، علی‌اشرف صادقی، حسن قریبی و دیگر بزرگ‌مردان علم و تحقیق لطفی از خزینه‌ی کرم ایزد جهان‌دار بود که صاحب‌نظران را رو به روی هم ببینیم. وقتی بنده بار اول در حلقه‌ی این اساتید کرام بودم و به چشم حیرت به آن چهره‌های نورانی می‌نگریستم، استاد بی‌نظیرم عبد‌المنان نصرالدین، آنها را از روی روش پژوهش و اسامی کتب‌شان برایم معرفی می‌کردند.

باید تذکر داد که دوستان ایرانی ما در ادب مهمان‌داری و رعایت احترام مهمان سنگ تمام گذاشته‌اند که شایستگی ستایش پیوسته را دارد.

سفر هشت‌روزه‌ی ما به تهران سفر خاطرافرین بود. من باری به استاد قهرمان سلیمانی گفتم که امکان هست که ما به دیگر شهرهای ایران هم برویم. ایشان در پاسخ گفتند که ایران سرزمین بی‌کرانه است و شما با یک سفر همه را دیده نمی‌توانید.

این پاسخ برایم رمزهای زیادی داشت: باید برای دیدن هر شهر ایران سفر جداگانه می‌باید. شاید خلاصه‌ی صحیح این است که ایران، نقش این معشوق زیبا را نمی‌توان به یک دیدن در سینه جا کرد، پس مثل مجنون «در دل دوست به هر حيله رهي بايد كرد».

واقعاً نوازش و لطف و مرحمت برادران و خواهران ایرانی را طی این سفر همه جا و همه لحظه احساس می‌کردم: در مهمان‌خانه، نمایشگاه، جلسه‌ها، سیر و دیدار از اماکن مختلف تهران همه دوست‌رو و گرم‌رو بودند. دریافتم که در این کشور همه برابرند و کسی از روی منصب و وظیفه خود را بالا نمی‌گیرد. آن‌ها هر یکی خود را اعزاز می‌نمایند و در محافل یا سر خوان رسم «خدمی و مخدومی» از میان رفته. این امر حاصل معنویت و پیوند عرقی و خونی و همیشگی با کتاب است. این مطلب را من از راننده‌ی اتوبوس ما، رضا، دریافتم که آن قدر مطلع و آگاه و داننده است.

پذیرایی گرم مردم جمهوری اسلامی ایران، خاصاً جوانان آن را از نمایشگاه بین‌المللی «کتاب تهران» نظاره می‌کردم، و ضمناً به هر نفری که در کشور ما از آغازگاه معنویت-کتاب دور افتاده است، از زبان مولانا می‌گفتم:

ای بستگان تن، به تماشای جان روید،

کآخر رسول گفت: «تماشا مبارک است!»

جای آن می‌ماند که در پایان این حروف پریشان و گفتار ناتمام به استادان بزرگ، برادران ارجمند- سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای دکتر علی اصغر شعر دوست، رایزن سفارت جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان دکتر محمد محمد حسین امیر اردوش، رئیس مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دکتر قهرمان سلیمانی، دبیر شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی دکتر عباس علی وفای و دوستانی که در وقوع این سفر از هر دو طرف سهیم بودند، مثل حمیدرضا مرادی، خانم تمنایی، خانم لاله حاجی بایوا و دیگر برادران و خواهران اظهار سپاس نمایم و از درگاه ایزد متعال سلامتی و سعادت علی‌الدوام و توفیقات پیوسته را برای ایشان خواسته باشم:

در این رواق زبرجد نوشته‌اند به زر،  
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند.

پی نوشت (منابع):

- 
- <sup>۲</sup> پول اندک؛ پول خردی که به کسی صدقه کنند.
- <sup>۳</sup> دریا - در تاجیکی معاصر به معنی رود به کار می رود.